

غیبت امام زمان از ناحیه ماست / امکان ملاقات با امام عصر(عج)

مرحوم خواجه نصیرالدین طوسی می فرماید «و غیبتنا منا» غیبت امام زمان از ناحیه ماست. این ما هستیم که در رفتار خود با امام مشکل داریم.

مرحوم خواجه نصیرالدین طوسی می فرماید «و غیبتنا منا» غیبت امام زمان از ناحیه ماست. این ما هستیم که در رفتار خود با امام مشکل داریم.

به گزارش خبرنگار مهر، متن زیر جلسه چهل و ششم از سلسله مباحث مهدویت است که توسط حجت الاسلام سیدمحمدباقر علوی تهرانی ایراد شده است.

بحث ما این است که آیا در دوره غیبت کبری امکان ملاقات اختیاری از ناحیه ما با امام وجود دارد یا نه؟

ما وظیفه نداریم عبادات و ریاضاتی را متحمل بشویم تا به ملاقات امام برسیم. اما اینکه ما برای رفع مشکلات و رفع حوائج خود عباداتی انجام دهیم که توسل به امام باشد، این خالی از اشکال است و اصلاً ضروری است. لذا باید بین این دو نکته تفکیک قائل شویم. پس توسل با ملاقات متفاوت است. وظیفه ما تشرف نیست بلکه تشبه است.

امام عصر در توقیعی می فرماید «فلیدعوا عنهم اتباع الهوی و لیقیموا علی اصلهم الذی کانوا علیه و لا یبحثوا عما ستر عنهم فیأثموا و لا یکشفوا ستر الله عزوجل فیندموا» یعنی پس منکران و کسانی را که در شک و تردید هستند بخوانید تا دست از متابعت هوی و هوس بردارند و همان اصول [یعنی برنامه منظم ائمه معصومین (ع)] را که پیروی می کردند رعایت کنند و همان راه را دنبال نمایند. از آنچه از آنها پوشیده است در گذرند و از بحث و فحص در آن خودداری کنند، که به گناه آلوده خواهند شد. اسرار الهی را فاش نکنند، که موجب پشیمانی آنان خواهد شد.

لذا فرمایش حضرت این است که شما وظیفه ندارید که دنبال من بگردید بلکه وظیفه دارید از من پیروی داشته باشید.

امام در فرمایش دیگری می فرماید «مَنْ بَحَثَ فَقَدْ طَلَبَ، وَ مَنْ طَلَبَ فَقَدْ دَلَّ، وَ مَنْ دَلَّ فَقَدْ أَشَاطَ وَ مَنْ أَشَاطَ فَقَدْ أَشْرَكَ» یعنی حضرت مهدی (عج) در خصوص کسانی که در جستجوی او بوده اند فرموده است: آن که بکاود، بجوید و آن که بجوید دلالت دهد و آن که دلالت دهد به هدف رسد و هر که [در مورد من] چنین کند، شرک ورزیده است.

یعنی فرد نمی تواند این سر را نگه دارد و هر کس این سر را بنمایاند، مشرک شده است. اگر هم افرادی باشند که از امام خبر دارند، آنقدر اهل سر هستند که بیان نمی کنند که اگر بیان کنند، امام فرمود مشرک شده است.

لذا هرکس بگوید من می دانم امام کجاست، بنا بر این فرمایش امام مشرک است.

از آیت الله مکارم شیرازی سوال کرده اند که آیا از جمله تکالیف ما در عصر غیبت درخواست و تقاضای دیدار با امام است؟ پاسخ این است که «در پاسخ به این پرسش که «نه؛ ما ما مور نیستیم که اصرار به دیدن حضرت داشته باشیم. کسی ممکن است خدمت حضرت مشرف بشود؛ اما آنانی که مشرف شدند، خبری نمی دهند. آنان، تظاهر به این مسائل نمی کنند. بر اساس رواج همین تفکر غلط، خیلی ها می آیند پیش ما و می گویند: «آقا! دعا کنید تا حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را ببینیم.»

اساساً در ارتباط با امام محدودیت وجود دارد و برخی به دروغ ادعا می کنند.

آیت الله فاضل لنکرانی در این باره می گویند «نباید این مطلب را در جامعه گسترش دهیم که باید بیابان ها و کوه و دشت را طی کنیم تا آن حضرت را ببینیم. خود آن حضرت نیز فرموده اند: «هر کسی ادعای مشاهده نموده، بایستی او را تکذیب کنید.» اصلاً ما نیازی به این حرف ها نداریم. آنچه وظیفه ما و همه شیعیان و دوستداران آن حضرت است، اشاعه فرهنگ صحیح «مهدویت»، «مهدی زیستی» و «ترویج افکار ائمه (علیهم السلام)» است.»

مثلاً اگر هم کسی به محضر حضرت مشرف شده باشد، این را اعلام نمی کند چون طبق روایت باید تکذیب شود و یا

اینکه طبق روایت نمایاندن دیدار با حضرت باعث می شود، فرد مشرک می شود.

حرف دوم ما این است که ممکن است در دوره غیبت کبری مورد عنایت امام عصر قرار بگیرند که ما این را انکار نمی کنیم. سیدمرتضی می گوید «همانا ممتنع نیست که امام برای برخی دوستانش آشکار شود؛ از افرادی که از سوی آن ها ترسی وجود ندارد.» افرادی مثل سیدبحرالعلوم، علامه حلی، سیدابوالحسن اصفهانی وhellip; شخصیت هایی که ترسی از ناحیه آنها وجود ندارد و ادعای عجیب و غریبی هم نکرده اند و صرفاً یک تشریف و اکرام از ناحیه امام بوده است. ما با این هم مشکل نداریم.

عالم با تمام جزئیاتش نزد امام حاضر است و امام احاطه به همه امور دارد و خبر دارد و خیلی از امور را خودشان اداره می کنند. در توقیعی که از ناحیه حضرت به شیخ مفید صادر شد، می فهمیم شیخ مفید چه شخصی است که امام در مورد او عبارت «اخ السدید» یعنی برادر محکم را به کار می برد. اینها ولی خدا هستند. ولی خدا کسی است که امام به او مدال می دهد.

بیان امام در توقیعی که به شیخ مفید صادر شده است این است که «نحن و ان کنا ثاوین بمکاننا، النائی عن مساکن الظالمین، حسب الذی اَراناہ اللّٰہ تعالیٰ لنا من الصلاح و لشعیتنا المؤمنین فی ذلک ما دامت دوله الدنیا للفاسقین فانا نحیط علما بأبنائکم و لا یعزب عناشی ء من أخبارکم و معرفتنا بالذل الذی أصابکم، مذ جنح کثیر منکم الی ما کان السلف الصالح عنه شاسعا و نبذوا العهد المأخوذ وراء ظهورهم کأنهم لایعلمون انا غیر مهملین لمراعاتکم ولا ناسین لذکرکم ولو لذلک لنزل بکم اللواء واصطلمکم الاعداء» یعنی گر چه، ما اینک آنچه خداوند (بر اساس حکمت خویش) برای ما و پیروان باایمانمان، صلاح اندیشیده است، تا هنگامی که حکومت دنیا در دست فاسقان و استبدادگران است، در مکانی دور از قلمرو بیدادگران سکونت گزیده ایم، اما بر اوضاع و اخبار شما و جامعه شما به خوبی آگاهیم. چیزی از رخدادهای زندگی شما بر ما پوشیده نمی ماند و شرایط غمبار و دردناکی که شما بدان گرفتار آمده اید، آنگونه که هست برای ما شناخته شده است؛ از آن زمانی که بسیاری از شما به راه و رسم ناپسندی که پیشینیان شایسته کردارتان از آن دوری می گزیدند، روی آورده و پیمان فطرت را، به گونه ای پشت سر انداختید که گویی هرگز بدان آگاه نیستید. و آنگاه (به کیفر گناهان) به این شرایط غمبار و خفت انگیز گرفتار گشتید. ما از سرپرستی و رسیدگی به امور شما کوتاهی نورزیده و یاد شما را از صفحه خاطر خویش نزدوده ایم، که اگر جز این بود، موج سختی ها بر شما فرود می آمد و دشمنان بدخواه و کینه توز، شما را ریشه کن می ساختند.

ما باید بدانیم با امام زمان در چهل مورد عهد داریم و ما این عهد را پشت سر گذاشتیم و به این دلیل گرفتار مشکلات هستیم. این چهل عهد را در آینده خواهیم گفت.

مسئله این است که امام ما را فراموش نکرده است که در غیراینصورت اجماع دشمنان شیعه را از بین برده بود. اگر ما بر سر عهد خود باشیم، لازم نیست خیلی از کارها را بکنیم تا به محضر امام برسیم بلکه امام به ما سر می زند.

مرحوم خواجه نصیرالدین طوسی می فرماید «و غیبتنا» غیبت امام زمان از ناحیه ماست. این ما هستیم که در رفتار خود با امام مشکل داریم.

باید ابتدا بررسی کنیم که چه نوع از ارتباط با امام مراد ماست؟

اول اینکه ارتباط به معنای رویت امام باشد ولی این رویت بدون شناخت امام اتفاق بیفتد. این امکان پذیر است که فرد به خدمت امام برسد ولی حضرت را نشناسد. امام صادق می فرماید «و یمشی فی أسواقهم و یطأ فرشهم و لا یعرفوته» یعنی در بازارهایشان گام بردارد و قدم بر فرشهای ایشان گذارد و آنان او را نشناسند.

دوم اینکه ارتباط به معنای ملاقات باشد. اینکه امام را ببیند، در حین ملاقات او را می شناسد و اعتقاد و اطمینان دارد که کسی را که دیده است، امام عصر است. این مسئله از ناحیه خودش اتفاق افتاده نه از ناحیه امام.

سوم اینکه ارتباط به شکل فیض حضور (درک محضر کند و استفاده کند) باشد. یعنی در محضر امام باشد و با امام مکالمه داشته باشد و در این مکالمه امام به وی رهنمود داشته باشد. به این معنا که حضرت را می بیند و می شناسد و به گفتگو می پردازد و از مسائل علمی سوال می کند و امام پاسخ می دهد.

چهارم اینکه به شکل شهودی باشد. اینها سالک حق و اهل معنا هستند. اینها می توانند مدعی شوند. مراد من

متصوفه و ابن عربی و صدرالمتالهین نیست. اینها اگر سالک هم باشند، این انتزاع ماست که می‌گوییم اینها سالک اند. اما ملاک سالک بودن را باید اهل بیت بدهند. سالکی که من در مورد او صحبت می‌کنم، سلمان فارسی است.

پنجمین شکلی که در ارتباط وجود دارد، ارتباط با امام در عالم رویا است.

مورد بحث ما در مورد دوم و سوم است. یک دیدگاه جناب شیخ مفید، نعمانی و کاشف الغطا می‌گویند ارتباط با حضرت به صورت ملاقات و فیض حضور ممکن نیست. مستند اینها برخی روایاتی است که در جلسه بعدی به آنها اشاره خواهیم کرد.